

نقش مشارکت در توسعه روستایی بخش خشکبیجار شهرستان رشت

زینب اسدی؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.
عیسی پوررمضان*؛ استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
نصرالله مولایی‌هشجین؛ استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۸/۱۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷

چکیده

رشد و توسعه روستایی، ارتباطی تنگاتنگ با مشارکت روستاییان دارد؛ چرا که مشارکت در واقع کارآیی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی را افزایش می‌دهد. ضعف مشارکت مردمی در جامعه روستایی، از بویایی روستاها می‌کاهد و رشد و شکوفایی روستاها را با دشواری مواجه می‌سازد. در این مقاله تلاش شده است تا به تحلیل نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستاهای بخش خشکبیجار شهرستان رشت پرداخته شود. بر روی ۴۰۰ نفر از روستاییان در ۱۸ روستای نمونه بخش خشکبیجار شهرستان رشت مطالعه شده است و در آن از دو روش اسنادی و مطالعات میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه برای شناسایی وضعیت مشارکت در روستاهای نمونه استفاده شده است. پس از تهیه پرسشنامه و بررسی اعتبار روایی و پایایی آن با مقدار آلفای کرونباخ (۰/۸۱)، پرسشنامه‌ها در بین روستاهای نمونه در بین افراد توزیع شده و از نتایج آن‌ها برای تأیید یا رد فرضیه‌ها استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مؤلفه‌های سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی خانوارها، میزان رضایت و میزان مشارکت روستاییان، در فرآیند توسعه روستایی از طریق آزمون‌های ویلکاکسون، همبستگی اسپیرمن و کروسکال والیس اقدام شده است. نتایج نشان داد میزان مشارکت مردم، نقش کلیدی در توسعه نواحی روستایی محدود مورد مطالعه ایفا می‌کند و متناسب با اندازه جمعیت روستاها، میزان مشارکت روستاییان بیشتر می‌شود. میل به مشارکت به ویژه مشارکت فکری، مشورتی، کاری و فیزیکی در میان روستاییان در حد مطلوبی است و با افزایش توان اقتصادی روستاییان بخش خشکبیجار، میزان مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای روستاها افزوده خواهد شد. بی‌شک انگیزه‌ی مشارکت در بین روستاییان بیش از هر چیزی به اقدامات فرهنگی و آگاهی بخشی به آن‌ها بستگی دارد.

واژگان کلیدی: روستا، مشارکت، توسعه روستایی، بخش خشکبیجار، شهرستان رشت.

* Email: pourramzan@iaurasht.ac.ir

(۱) مقدمه

اصولاً یکی از مهم‌ترین مسائل کشورها در دوره‌های مختلف، بررسی شیوه‌های بهبود و پیشرفت و در مجموع، توسعه مناطق روستایی است؛ بر این اساس، توسعه روستایی نیز به عنوان یکی از زیرشاخه‌های توسعه و بلکه مهم‌ترین آن‌ها، فرآیندی چندبعدی است که موضوع آن، بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است (طالب، ۱۳۹۱: ۲).

در فرآیند تاریخی تحولات مربوط به توسعه روستایی، در دهه‌های ابتدایی پس از جنگ جهانی دوم، تغییر از نگرش رشد به سوی توسعه اجتماعی و توسعه انسانی، در بردارنده این پیام بود که عامل اقتصادی و برنامه ریزی متمرکز به تنهایی نمی‌تواند معادله توسعه را تبیین کند. در این دهه‌ها، بسیار از کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در نواحی روستایی، روش‌هایی را تحت عنوان راهبردهای توسعه آزمودند (مطیعی لنگرودی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). توسعه در ابتدا به سازمان‌های مشارکتی و ساختار نهادی توسعه مربوط است که ظرفیت و توانایی مردم را در کنترل زندگی و اداره مشکلات جامعه افزایش می‌دهد (Michael, 2002: 5).

امروزه بیشتر صاحب‌نظران توسعه روستایی معتقدند که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت آحاد مردم ممکن نیست و بدون تردید با مشارکت مردم دوره گذار توسعه تسهیل، تسریع و کم هزینه‌تر می‌شود. تجربه تاریخی کشور ما ضمن تأکید بر اعمال راهبرد بالا به پایین در توسعه، از شکست آن در فرآیند توسعه روستایی حکایت دارد؛ بنابراین، بر مبنای این تجربه و افزایش حوزه معرفتی و دانش علمی، لازم است که جامعه، توجه به توسعه روستایی را با محوریت مشارکت مردمی، سرلوحه برنامه‌ها و تدابیر خود قرار دهد. توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمامی مراحل و در شرایط مختلف، مبنای کار بر جلب مشارکت مردم محلی در جهت بسیج منابع و نهادینه‌سازی مشارکت‌های محلی با تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی قرار گیرد. مشارکت مردم باعث می‌شود تا مردم با برنامه‌ها و عناصر جدید احساس بیگانگی نکنند و از سوی دیگر در طول طراحی و پس از آن در انجام و نگهداری طرح‌ها سهیم باشند، طرح و محصول به دست آمده را از آن خود بدانند و در نگهداری و پویایی آن بیش‌ترین همکاری را داشته باشند.

در گذشته، بر گزینه کار "برای مردم روستایی" تأکید می‌شد، ولی امروزه و از دیدگاه مشارکتی بر گزینه کار "به‌وسیله مردم روستایی" تأکید می‌گردد. بدین‌سان، توانمندسازی مردم روستا کمک مؤثری به آنان برای تشخیص، تجزیه و تحلیل مسائل و رویدادها و در نتیجه تصمیم مقتضی در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده و متغیر می‌نماید (حیاتی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). این در حالی است که گاهی مشاهده می‌شود در یک منطقه، طرح‌های آبادانی اجرا می‌شود، بدون این که روستاییان آن منطقه در جریان امور قرار گیرند. پس از اتمام برنامه‌ها و

پروژه‌ها، به دلیل عدم مشارکت دادن روستاییان در جریان تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا، استقبالی در استفاده و بهره‌برداری از آن به عمل نمی‌آید. برای اینکه چنین مشکلی بروز نکند، باید هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، روستاییان مشارکت داشته باشند، حتی از آن‌ها خواسته شود که در مرحله اجرا، نگهداری و ارزیابی نیز به صورت فعال شرکت کنند (نجفی‌کانی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی‌های محلی می‌تواند منجر به تمرکززدایی شده و از محدودیت‌های برنامه‌ریزی بالا به پایین می‌کاهد (برقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳). بنابراین برای اینکه برنامه‌ها و هزینه‌های صورت گرفته در روستاها به توسعه منجر گردد، باید نیازها و خواسته‌های روستاییان را شناسایی کرد و آن‌ها را در انجام امور مشارکت داد؛ زیرا از یک سو مشارکت روستاییان موجب تقویت مؤسسات روستایی و سازمان‌های اجتماعی که فرآیند توسعه را تسهیل می‌کنند؛ منجر خواهد شد و از سویی موجب به‌کارگیری توانایی و استعداد‌های روستاییان در جهت توسعه ملی و نگاه‌داشت جمعیت روستاها و کاستن نابرابری‌های منطقه‌ای خواهد گردید (سرور و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). بخش خشکبیجار در شمال شرقی شهرستان رشت واقع شده که در سال‌های اخیر طرح‌ها و پروژه‌های متعدد عمرانی نظیر: تهیه و اجرای طرح‌های هادی، طرح تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی، گازرسانی، آب لوله‌کشی تصفیه شده و ... در روستاهای این محدوده تهیه و اجرا شده است. بر این اساس پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال اساسی است که مشارکت چه میزان در توسعه روستاهای بخش خشکبیجار شهرستان رشت تأثیر داشته است؟

۲) مبانی نظری

مشارکت^۱ به معنی به‌کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در اقدام جمعی است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۲). نسیمی مشارکت را به معنای قبول همکاری آگاهانه و از روی میل و اراده، برای رسیدن به هدفی خاص و معین می‌داند که طی آن برای طرح مسئله، تصمیم‌گیری، اجرا، بهره‌برداری، مراقبت و بازنگری اهداف، از تمام امکانات گروهی استفاده می‌شود (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۲). مشارکت به عنوان یک فرآیند اجتماعی، عام، جامع، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (کائوتری، ۱۳۷۹: ۷۱).

در مشارکت به مردم این فرصت داده می‌شود که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه بزرگ‌تر، قادر به مشارکت فعال و مؤثر در فرآیند توسعه و بهره‌برداری از ثمرات و منافع توسعه گردند (قادری، ۱۳۸۳: ۵۷).

^۱ participation

اندیشه دیگر آن است که مشارکت اولاً سبب بهبود روابط مشارکت‌کنندگان می‌شود و اطلاعات مفیدی در رابطه با چالش‌های محیطی برای برنامه‌ریزان فراهم می‌نماید؛ دوم، شناخت علت (چالش‌ها)، ضامن تأثیر دانش فنی و عقلانیت‌ابزاری برای قاعده‌مند کردن رفتار است و برنامه‌ای که بر این اساس به کار گرفته می‌شود، نیازها را با فرآیندهای اجتماعی منطبق می‌سازد (Leena, 2004 : 606). زمانی مشارکت را از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماع و اقتصادی بیان نموده‌اند و گاهی نیز مشارکت را در اجرا مد نظر داشته و از مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت، ارزشیابی و پیگیری، حرفی به میان نمی‌آورند. در کشورهای جهان سوم به لحاظ وجود ساختار سیاسی متمرکز و اغلب حکومت‌های غیرمردمی، اگر هم بحثی از مشارکت به میان آمده، مشارکت در اجرا مدنظر بوده است. مانند دوره ارباب - رعیتی، که تصمیمات اساسی را ارباب می‌گرفت و رعایا در قالب گروهی و یا به صورت بیگاری در اجرا فعال بودند (شاکری، ۱۳۸۰: ۲۹).

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن؛ بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به‌عنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت به‌عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم، شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد. مشارکت می‌تواند اشکال گوناگونی پیدا کند نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی و ارتجالی‌گونه در حیات اجتماعی است. مشارکت اجتماعی در این صورت، عبارت از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، قبول مسئولیت‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی خواهد بود و میزان مشارکت اغلب شکلی از قدرت را مشخص می‌دارد. مشارکت اجتماعی، مفهومی است که مخصوصاً در جامعه‌شناسی کارکردی و گرایش‌های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است (R.K.Merton, 2005:77). باستن^۲ چهار برداشت متفاوت از مفهوم مشارکت دارد: (۱) مشارکت در معنای ساده، به‌کارگیری نیروی انسانی است؛ (۲) مشارکت اغلب به‌عنوان تلاش برای ترفیع خوداتکایی تفسیر می‌شود؛ (۳) رهیافت مشارکتی اغلب تکنیک و فن برای خلق روستای ایده‌آل است؛ و (۴) مشارکت به‌عنوان روش مدیریت پروژه بازتاب می‌شود (34 : Muraleedharan, 2008).

همگان بر این نکته اذعان دارند که مشارکت در عمل فصلی از توسعه به شمار می‌آید، تا آنجا که گاه توسعه را معادل مشارکت می‌دانند. از این روست که هیچ نوع توسعه‌ای تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه مردم

^۲ Bastain

تشویق شوند تا سطح زندگی‌شان را ارتقاء دهند (بدری و نعمتی، ۱۳۸۸: ۷۱). کمتر کسی با این نکته مخالف است که مشارکت مردم اساس موفقیت هر طرح توسعه روستایی است. مشکل بر سر تأکید بر اهمیت مشارکت نیست، بلکه در زمینه توسعه روستایی، دستیابی به توافق درباره مفهوم این واژه اهمیت دارد به شرطی که چنین عملی هم معتبر و هم امکان‌پذیر باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۳). تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی به این دلیل است که توسعه بیش از هر چیز به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد و این امر مستلزم مشارکت در تمامی مراحل یک برنامه‌ریزی توسعه‌ای است. مشارکت مورد نظر علاوه بر دوره طراحی برنامه‌ها، همه مراحل مطالعات، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا، نظارت و ارزشیابی را نیز در بر خواهد گرفت (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). مردم به کمک مشارکت و بدون اتکای جدی بر برنامه‌های رسمی می‌توانند بر مشکلات‌شان فائق آیند، یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی‌شان را رفع کنند (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۱۱). در این زمینه، تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی متمرکز، آمرانه و از بالا به پایین، دستاورد مطلوبی نداشته است. هرچه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان اجرایی و کارآمد شدن برنامه‌ها کاهش خواهد یافت و هزینه‌های اجرا و نظارت مرکزی افزایش می‌یابد و آسیب‌پذیری طرح‌ها و سیاست‌ها بالا خواهد رفت (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

گوو (۱۹۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت سوی دیگر مفهوم توسعه روستایی (آن چگونه می‌تواند انجام شود؟) نشان می‌دهد که توانمندی رویکرد مشارکت با استفاده از توزیع مجدد قدرت باید همراه با ظرفیت‌سازی قابلیت‌های محلی عملی شود (Gow, 1983: 421-446). جوما (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان نقش مشارکت در تمرکز منطقه برای استراتژی برنامه‌ریزی توسعه روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به اینکه روش برنامه‌ریزی از مرکز به پایین اثرات اندکی در توسعه روستایی داشته است؛ بنابراین در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه در سطح منطقه نیاز به مشارکت جوامع محلی است و برای مشارکت مؤثر جوامع در برنامه‌ریزی DFRD سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نیاز به اصلاحات قانونی و اساسی برای شناسایی و ظرفیت‌سازی برنامه‌ها دارند (Juma, 2005: 64). عارف (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت مردم در توسعه اجتماعی (حل برنامه‌ریزی روستایی در مالزی) تأکید نموده که فرآیند مشارکت مردم (از پایین به بالا) در سطح کلان باعث توانمندسازی روستاییان و کاهش هزینه‌های دولت می‌شود (Aref, 2009: 45-54). کاکومبا (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت مردمی دولت محلی و توسعه روستایی «انعکاسی بر سیستم غیرمتمرکز سازی» به این نتیجه رسیده است که استراتژی‌های توسعه‌ای قابل‌درک دولت مرکزی می‌باید از مشارکت بهره‌جسته تا مالکیت و توانمندی بالایی به دست آورند و به منظور درک

اهداف اساسی غیرمتمرکزسازی و انجمن‌ها، مشارکت در توسعه روستایی نیازمند تقویت نقش انجمن محلی در بسیج، مشارکت در برنامه‌ریزی و انتخاب رهبران بدون دخالت دولت مرکزی است. بنابراین مشارکت پیش از آنکه منافع همگانی و پیشگام کاهش فقر شود، می‌بایست به توانمندسازی و کارآمدی تبدیل شود (Kakumba, 2010:171-186).

یانگ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت روستاییان در ساخت فرهنگ جامعه روستایی بیان نموده که توسعه ساخت‌وساز فرهنگ جوامع روستایی بدون مشارکت روستاییان صورت نمی‌گیرد و از همه مهم‌تر، عدم وجود امکانات و مناسبت‌های فرهنگی مناسب، عدم دانش کافی و محدودیت توانایی روستاییان از موانع اصلی در مشارکت روستاییان برای ساخت فرهنگ جوامع روستایی است و در نهایت نتیجه این بوده که برای ترویج مشارکت در ساخت فرهنگ جامعه روستایی باید به تقویت آموزش، بالا بردن کیفیت، شدت و شور و شوق و توانایی روستاییان به مشارکت پرداخت (Yongguilu, 2011:154). استنلی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی غیرکشاورزی روستا می‌گوید بسیاری از کشورهای درحال توسعه با افزایش ناتوانی بخش کشاورزی مواجه هستند. بنابراین برای حمایت از معیشت روستایی، مشارکت در فعالیتهای غیرکشاورزی ضروری است و تأکید می‌کند که هر گونه مشارکت در فعالیتهای اقتصادی باهدف بهبود معیشت روستایی را باید هدف قرارداد (Stanley, 2012:240). ام‌پریز (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان نمایندگی و مشارکت مدنی در برنامه‌های توسعه روستایی در گالیسیا اسپانیا به تحلیل میزان مشارکت‌کنندگان در سازمان‌های اجتماعی پرداخته و چگونگی همکاری در این برنامه‌ها را در توسعه پویایی و قابلیت‌های محلی را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج، دشواری‌های ورود و فعالیت مؤثر افراد را برجسته می‌سازد. حتی در حوزه‌هایی که شبکه‌های اجتماعی چشمگیری وجود دارد، نبود فرهنگ مشارکت در میان سازمان‌های اجتماعی و دولتی مانع توسعه و موفقیت برنامه‌ها شده است. توصیه‌هایی برای بهبود رویکرد رهبری فراهم شده است (Mperez, 2012:215-220). دورگا (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت مردم در توسعه سیکیم به این نتیجه رسیده است که با توجه به اینکه هدف از مشارکت به دست آوردن شتاب در فرآیند توانمندسازی انسان و همچنین شرط ضروری برای توسعه است، دانشمندان معاصر نیز باید به دفاع از مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه بپردازند و شیوه‌های مشارکتی هنوز در مرحله نوپایی است و نیاز به نهادینه شدن دارد (Durga, 2013:1492). استفانو (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت کشاورزان ایتالیایی در سیاست توسعه روستایی به بررسی و سنجش مشارکت کشاورزان در سیاست توسعه روستایی (RDP) می‌پردازد و اینکه اولویتهای منطقه‌ای (RDP) تا چه حد تحت تأثیر ویژگی‌های منطقه‌ای است و به‌علاوه، آیا اولویتهای سیاست سطح منطقه‌ای به مشارکت کشاورزان در سنجش‌های (RDP) می‌کند یا

خیر؟ به این نتیجه می‌رسد که دولت‌های منطقه‌ای بر اساس خصایص ویژه‌ی منطقه‌شان به انتخاب اولویت‌های (RDP) بپردازند و اولویت‌های سیاست منطقه‌ای نقش مهمی در تشریح مشارکت کشاورزان در تدابیر کشاورزی - زیست‌محیطی دارند اما نه در سنجش‌هایی که هدفشان تقویت روحیه‌ی رقابتی کشاورز است (stefano, 2013:605). عفتی (۱۳۷۱)، در پژوهشی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، تحت عنوان تحلیل زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت روستاییان بر روند بازسازی روستاهای زلزله‌زده شهرستان بم، بر لزوم تأکید بر توسعه‌ی انسانی ملل جهان و مشارکت فعال مردم در فرآیند توسعه که یکی از راه‌های عملی کردن توسعه است، تأکید دارد (عفتی، ۱۳۷۱:۱۶۲). کلانتری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان توسعه روستایی و نهادهای محلی بر این امر تأکید داشته است که نهادهای محلی نقش مؤثری در تأمین مشارکت مردم و به‌کارگیری توان و استعداد نهفته‌ی آنان در امر توسعه دارند و اگر به توسعه روستایی با نگرش بلندمدت و پایدار می‌اندیشیم، باید بپذیریم و اذعان نماییم که سنگ بنای توسعه پایدار روستایی بر مشارکت مردم استوار است (کلانتری، ۱۳۸۶: ۱۵).

رضوانی (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان مدیریت نهادهای محلی بیان نموده که رشد و توسعه‌ی هماهنگ و پایدار مستلزم مشارکت گسترده‌ی مردم است و به نظر ایشان نهادینه ساختن مشارکت در این فرآیند نیازمند ایجاد نهادها و سازمان مناسب است که در این راستا دهیاری به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد و سازمان محلی می‌تواند راهگشا باشد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۴۸). رضوانی و احمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان شوراهای اسلامی روستا، مشارکت مردمی و توسعه روستایی در دهستان حکیم‌آباد شهرستان زرننده استان مرکزی دریافته‌اند که روستاییان تمایل خود را به مشارکت در امور مختلف روستا با شوراها را اعلام نموده‌اند و آماده همکاری برای رفع مشکلات هستند و شوراها نیز در برقراری و تثبیت یک نظام مشارکتی در برنامه‌های توسعه روستایی، عملکرد خوبی داشته‌اند و میزان همکاری و مشارکت مردم محلی با شورا، در انجام کارهای روستا در وضعیت مطلوبی بوده است. بنابراین تقویت بیشتر شوراهای ضروری بوده و می‌تواند نقش اساسی در توسعه روستایی داشته باشد (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۴۹). صیدایی و دهقانی (۱۳۸۹) در پژوهشی در زمینه نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی و مطالعه موردی ۳۸۰ خانوار روستاهای بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی در ۳۰ روستا دریافته‌اند که رابطه معنادار آماری در سطح احتمال ۹۵ درصد بین مشارکت سنتی و جدید روستاییان وجود ندارد ولی این تفاوت در مصادیق مشارکت سنتی و جدید چشمگیر است (صیدایی و دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۶). سرور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان رابطه مشارکت محلی و توسعه روستایی در بخش مرحمت‌آباد شهرستان میاندوآب، به این نتیجه رسیده است که مشارکت دادن روستاییان در اجرای پروژه‌های توسعه روستایی و توجه به خواست‌ها و نیازهای روستاییان در تهیه طرح‌های توسعه

روستایی می‌تواند به توسعه روستایی منجر گردد. هر چه سطوح مشارکت محدودتر باشد امکان اجرایی و کارآمدی شدن برنامه‌ها کاهش خواهد یافت و هزینه‌های اجرا و نظارت مرکزی افزایش یافته و آسیب‌پذیری طرح‌ها و سیاست‌های توسعه بالا خواهد رفت؛ بر همین مبنا پیشنهاد گردیده که برنامه‌ریزان توسعه هنگام برنامه‌ریزی در سطوح مختلف، به سهم عمده مشارکت توجه لازم را داشته باشند (سرور، ۱۳۹۰: ۱۳۵). شایان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده مشارکت مردم در توسعه روستایی دهستان سنبل‌آباد، به این نتیجه رسیده است که تأکید به قانون‌گرایی در جامعه و کاهش وابستگی مردم به عوامل محیط طبیعی و اقتصاد صرف کشاورزی و توانمندسازی مردم از طریق سازمان‌های مدنی به منظور ارتقای فعالیت‌های اجتماعی و افزایش آگاهی اجتماعی می‌تواند منجر به مشارکت فعال جامعه در فرآیند توسعه روستایی شود. با توجه به اینکه نهادهای مدنی می‌تواند فرهنگ مشارکت را در جامعه نهادینه سازد، ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مدنی می‌تواند بر موانع مشارکت غلبه نماید (شایان، ۱۳۹۰: ۹۷).

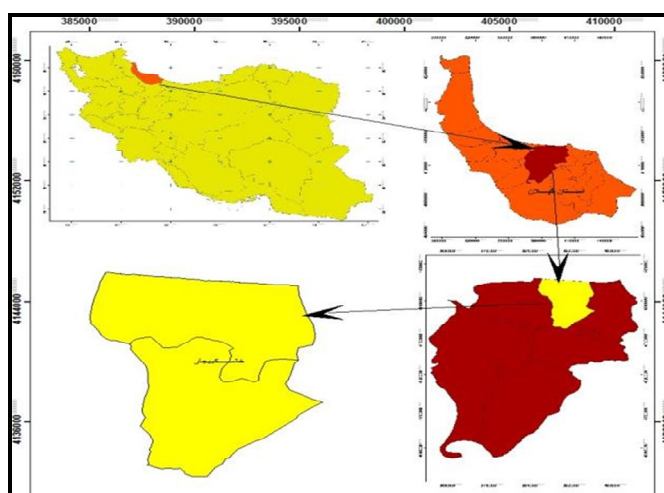
طالب و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی نقش مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی بیان نموده که برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از توانایی‌های روستاییان می‌تواند بستر مناسبی را برای موفقیت طرح‌های تجمیع فراهم کند و در ادامه به استفاده از نظریه مشارکت و به‌کارگیری نگرشی جامع برای تبیین مشارکت مردم، توجه به راهبرد مشارکت در توسعه روستایی و نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی تأکید می‌کند (طالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶). صابری‌فر (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل تأثیرگذار بر عضویت و مشارکت روستاییان در شرکت‌های تعاونی روستاهای استان خراسان رضوی، به این نتیجه رسیده است که بین میزان مشارکت روستاییان و عضویت آن‌ها در شرکت‌های تعاونی روستایی و آگاهی در زمینه‌های مختلف و با توجه به سایر عوامل تأثیرگذار از جمله گروه‌های فردی یا اجتماعی رابطه وجود دارد (صابری‌فر، ۱۳۹۱: ۷۴). نجفی‌کانی و میرزاعلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی و سنجش میزان مشارکت مردم و نقش آن در توسعه روستایی دهستان سلطانعلی شهرستان گنبدکاووس، به این نتیجه رسیده است که بین سطح و جایگاه اقتصادی و اجتماعی مردم با میزان مشارکت آنان در راستای توسعه روستایی، در سطح بسیار بالا و قابل قبولی رابطه معناداری وجود داشته و علاوه بر آن میزان مشارکت مردم، نقش کلیدی در توسعه نواحی روستایی ایفا می‌کند (نجفی‌کانی و میرزاعلی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و مبنای روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. در بررسی و شناخت وضع موجود از روش توصیفی و جهت تجزیه و تحلیل آماری در زمینه وضعیت خدمات روستایی و

جمعیت‌ها، از روش تحلیلی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق روش‌های اسنادی و میدانی به دست آمده است؛ بدین ترتیب که چارچوب نظری و مفهومی تحقیق و ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیتی قلمرو تحقیق به روش اسنادی و تعیین چگونگی و زمینه‌های مختلف مشارکت روستاییان از طریق روش میدانی به دست آمده است. جامعه آماری، روستاییان بخش خشکبیجار شهرستان رشت است که در چهار طبقه روستاهای کوچک، متوسط، بزرگ و روستا - شهر انتخاب شده است. حجم نمونه با استفاده از جدول استاندارد مورگان تعداد ۴۰۰ نفر از روستاییان تعیین شده است که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی - سهمیه‌ای در سطح محدوده مورد مطالعه توزیع و تکمیل شده است. روایی پرسشنامه با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصین امر برنامه‌ریزی روستایی و پایایی (اعتبار) آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۱) به دست آمده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری شامل آزمون ویلکاکسون، همبستگی اسپیرمن و کروسکال والیس استفاده شده است. بخش خشکبیجار با ۹۵ کیلومتر مربع مساحت در شمال شرقی شهرستان رشت واقع شده که در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۰۱۱۶ نفر جمعیت، دو دهستان حاجی بکنده و نوشر با ۳۷ آبادی بوده است. به منظور شناخت بیشتر نحوه طبقه‌بندی روستاهای مورد مطالعه، در جدول (۱) به ذکر روستاهای چهار طبقه روستایی بخش خشکبیجار پرداخته شد:

۱) روستاهای کوچک (۲۴۹-۱ نفر جمعیت)، ۲) روستاهای متوسط (۴۹۹-۲۵۰ نفر جمعیت)، ۳) روستاهای بزرگ (۹۹۹-۵۰۰ نفر جمعیت) و ۴) روستا شهر (۱۰۰۰ نفر و بیشتر). شکل (۱) نقشه جایگاه محدوده مورد مطالعه، شکل (۲) توزیع جغرافیایی روستاهای نمونه و جدول (۱) فهرست روستاهای نمونه این پژوهش را نشان می‌دهد.

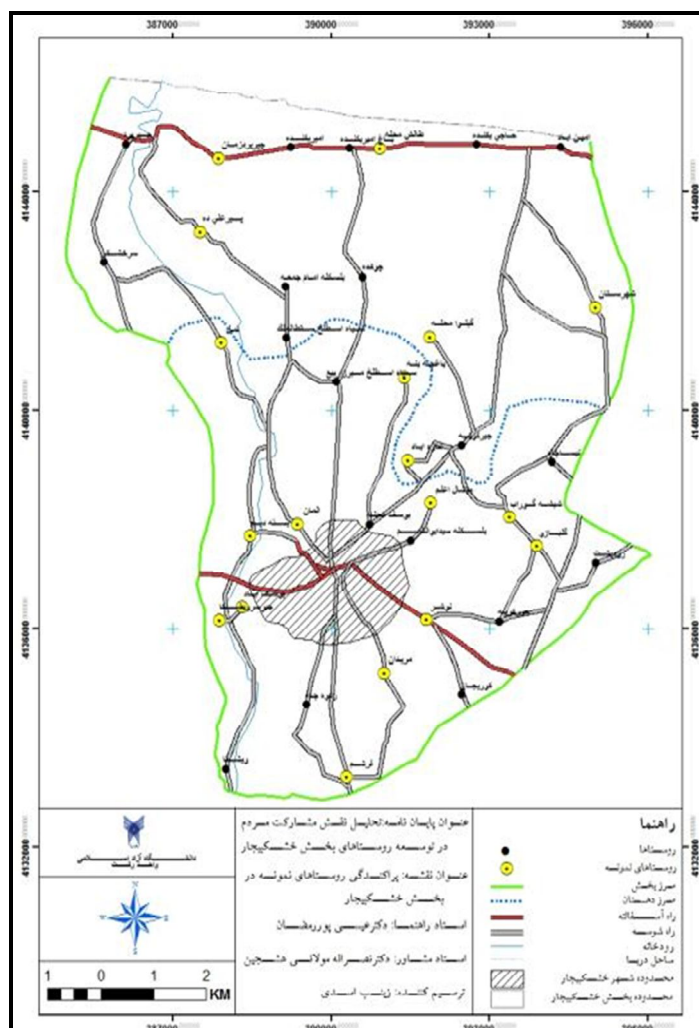


شکل شماره (۱): جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

جدول شماره (۱): روستاهای نمونه و نحوه توزیع پرسش‌نامه در روستاهای مورد مطالعه

نام دهستان	روستاهای کوچک ۱ تا ۲۴۹ نفر جمعیت		روستاهای متوسط ۲۵۰ تا ۴۹۹ نفر جمعیت		روستاهای بزرگ ۵۰۰ نفر جمعیت تا ۹۹۹ نفر		روستا شهر ۱۰۰۰ نفر و بیشتر	
	حاجی بکنده	گیلوا محله	۱۰	تازه‌آباد	۱۰	پیر علی ده	۲۰	-
حاجی بکنده	-	-	طالش محله	۱۶	شهرستان	۲۸	-	-
حاجی بکنده	-	-	-	-	چپر پرد زمان	۳۲	-	-
نوشر	گل بازو	۱۵	یوسف آباد	۱۱	نوشر	۳۰	تمل	۸۰
نوشر	ماشال اعلم	۲۵	باغچه بنه	۱۷	فرشم	۱۹	-	-
نوشر	-	-	بسته دیم	۱۸	مردان	۲۱	-	-
نوشر	-	-	آلمان	۱۳	-	-	-	-
نوشر	-	-	شیشه گوراب	۱۷	-	-	-	-
نوشر	-	-	چیر سرویشکا	۱۸	-	-	-	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲.



شکل شماره (۲): توزیع روستاهای نمونه در محدوده مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

بررسی آماری مستخرج از اطلاعات پرسشنامه بیانگر آن است که از مجموع جامعه آماری، ۸۳ درصد مرد و ۱۷ درصد از جامعه نمونه را زنان تشکیل داده است. ترکیب سنی پاسخ‌گویان بیانگر آن است که ۵/۸ درصد از پاسخ‌گویان در محدوده مورد مطالعه کمتر از ۲۰ سال، ۵۴/۵ درصد ۲۰ تا ۴۰ سال، ۲۹/۳ درصد بین ۴۰ تا ۶۰ سال، ۷ درصد بالای ۶۰ سال و ۳/۵ درصد نیز سن خود را اظهار نکرده‌اند. وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان در ۵ گروه تعیین شده که زیردیپلم ۵۳/۵ درصد، دیپلم ۲۵/۵ درصد، کاردانی ۴ درصد، کارشناسی ۱۰ درصد، کارشناسی ارشد و بالاتر ۷ درصد بوده است. وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان نیز در ۵ گروه مورد بررسی قرار گرفته است که بر این اساس ۴۷/۳ درصد پاسخ‌گویان کشاورز، ۱۳ درصد کارمند، ۱۱/۲۵ درصد کارگر، ۷/۳ درصد بیکار، ۲۱/۳ درصد سایر را در بر می‌گیرد. همچنین ۸۵/۸ درصد پاسخ‌گویان شامل ساکنین بومی و

۹/۲ درصد غیربومی بوده است.

جدول شماره (۲): مشخصات فردی و عمومی پاسخ‌گویان

گویه‌ها	توزیع	درصد فراوانی
جنس	مرد	۸۳
سن	۲۰ تا ۴۰ سال	۵۴,۵
نوع سکونت در روستا	بومی	۸۶
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	۵۳/۵
وضعیت اشتغال	کشاورز	۴۷/۳
رضایت از محل سکونت	متوسط	۳۴/۷۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بررسی‌ها نشان داد که ۳۴/۷۵ درصد پاسخ‌گویان دارای رضایت متوسط از محل سکونت خود بوده و میزان رضایت پاسخ‌گویان از طرح‌ها و پروژه‌های اجرا شده در روستاهای محدوده مورد مطالعه با ۶۷/۲ درصد در حد کم و خیلی کم است. بنابراین دولت توسعه‌خواه به منظور افزایش رضایت ساکنان و افزایش امیدواری به بهبود شرایط زندگی در آینده، باید زمینه را برای حضور مردم در طرح‌ها و پروژه‌ها و طراحی طرح‌ها بر اساس نیاز و خواست مردم فراهم سازد. ۴۵/۸ درصد پاسخ‌گویان معتقدند چون بهره‌وران نهایی طرح‌ها خود روستاییان هستند، بنابراین همکاری مداوم آن‌ها در طرح‌ها و پروژه‌های روستایی امری ضروری است. از آنجایی که روستاییان از درآمد محدودی برخوردار هستند بنابراین میزان اعتقاد پاسخ‌گویان محدوده مورد مطالعه به اختصاص بخشی از درآمد برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها متوسط (۳۷/۸ درصد) است. همان گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان محدوده مورد مطالعه میزان تمایل خود را به مشارکت در زمینه مالی با ۳۹ درصد در حد متوسط بیان نموده‌اند و این امر تا زمانی که مشکلات شغلی و درآمدی در درجه اول قرار دارد ادامه خواهد داشت. در سال‌های اخیر به دلیل بالا رفتن قیمت زمین و از آنجایی که بسیاری از روستاییان بین ۱ تا ۱/۵ هکتار زمین دارند و مهم‌ترین منبع درآمدی روستاییان از زمین حاصل می‌شود، میزان تمایل روستاییان به اهدای زمین نیز کمتر شده است. روستاییان مورد مطالعه معتقدند در صورت داشتن زمین مازاد، تمایل زیادی (۳۱/۲۵ درصد) به اهدای زمین برای برطرف کردن نیازهای روستا دارند و روستاییان میزان تمایل خود را به مشارکت در زمینه فکری و مشورتی را زیاد (۵۲/۵ درصد) بیان نموده‌اند و در صورت عدم حضور در زمینه‌های فکری و مشورتی، مسئولان و برنامه‌ریزان تصمیمات یک جانبه و بدون نظرخواهی از روستاییان برای روستا اتخاذ می‌کنند. نتایج به دست آمده از جدول (۳) نشان می‌دهد که ۴۷

درصد از روستاییان میزان تمایل خود را به مشارکت در زمینه کاری و فیزیکی، زیاد بیان نموده‌اند و با توجه به اینکه بخش مهمی از هزینه‌ها در پروژه‌های عمرانی هزینه نیروی کار است و بودجه اختصاصی نیز از جانب دولت برای اجرای پروژه‌های عمرانی محدود است؛ بنابراین برای کاهش هزینه‌ها می‌توان از روستاییان در این زمینه کمک گرفت (جدول ۳).

جدول شماره (۳): میزان تمایل روستاییان به انواع مشارکت در روستاهای محدوده مورد مطالعه

ردیف	گویه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدوی	زیاد	خیلی زیاد
۱	رضایت از محل سکونت	۶/۲	۱۱	۳۴/۷۵	۳۳	۱۵/۳
۲	میزان رضایت از طرح‌ها و پروژه‌ها اجرا شده در روستا	۳۴/۷۵	۳۲/۵	۲۷	۵	۰/۷۵
۳	اعتقاد به همکاری مداوم روستاییان در طرح‌ها و پروژه‌ها	۳	۶/۳	۱۵/۸	۴۵/۸	۳۲
۴	میزان اعتقاد اهالی به اختصاص بخشی از درآمد برای طرح‌ها	۵	۱۵/۸	۳۷/۸	۳۴	۷/۵
۵	میزان تمایل روستاییان به مشارکت در زمینه مالی	۱۰/۸	۱۲/۵	۳۹	۳۱/۵	۶/۲۵
۶	میزان تمایل روستاییان به مشارکت در اهدای زمین	۱۴/۷۵	۲۰/۲۵	۲۰	۳۱/۲۵	۱۳/۷۵
۷	میزان تمایل روستاییان به مشارکت فکری و مشورتی	۱	۷/۷۵	۲۴	۵۲/۵	۱۴/۷۵
۸	میزان تمایل روستاییان به مشارکت کاری و فیزیکی	۴/۲۵	۶/۷۵	۲۳	۴۷	۱۹
۹	میزان نقش مشارکت در توسعه روستایی	۱۰/۵۸	۱۳/۷۵	۳۹/۶	۱۲/۶	۲۳/۲
۱۰	میزان نقش مشارکت در توسعه اقتصادی، اجتماعی	۲/۵	۹/۷۵	۳۶	۳۵/۲۵	۹
۱۱	میزان نقش مشارکت در توسعه فرهنگی	۱۱/۲۵	۲۷/۲۵	۲۶	۲۳/۲۵	۱۲/۲۵
۱۲	میزان نقش مشارکت در توسعه کالبدی	۵/۷۵	۱۰/۷۵	۱۹/۲۵	۳۴	۳۰/۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

اول، رابطه مشارکت مردم از طریق نیروی انسانی و اهدای زمین با میزان مشارکت مالی

از معضلاتی که امروزه دامن‌گیر روستاهای محدوده مورد مطالعه است، نیاز به درآمد برای آنان است. عدم کفاف زمین‌های کشاورزی سبب ایجاد مشکلات اقتصادی و کاستی‌هایی در این زمینه شده به همین دلیل توان و انگیزه مشارکت آنان - به ویژه مشارکت مالی - کاهش یافته است. همان‌گونه که جدول (۴) نشان می‌دهد، در محدوده مورد مطالعه به ترتیب بیش‌ترین تمایل روستاییان به مشارکت نیروی انسانی، اهدای زمین و مشارکت مالی بوده است. از طرف دیگر، بسیاری از برنامه‌های طراحی شده برای روستاها مستلزم وجود امکانات مالی بالاست. طبیعتاً زمانی که بسیاری از روستاییان هنوز در دستیابی به درآمد کافی با مشکل مواجه‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که در اجرای این برنامه‌ها مشارکت مطلوبی داشته باشند. انگیزه جلب مشارکت روستاییان، امید به آینده و احساس نیاز به شکوفایی است که این امر تا زمانی که مشکلات درآمدی

در درجه اول قرار دارد، فرصت ظهور پیدا نمی‌کند. همچنین نتایج به دست آمده از آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میزان تمایل روستاییان به مشارکت در زمینه نیروی انسانی و اهدای زمین در برنامه‌های روستا، در سطح بالایی قرار داشته و میزان تمایل به مشارکت در زمینه مالی به دلیل پایین بودن درآمد اکثریت روستاییان در سطح پایینی قرار داشته است (جدول ۴).

جدول شماره (۴): نوع مشارکت در بخش خشکبیجار

نوع مشارکت	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نیروی انسانی	۱۷	۴/۲۵	۲۷	۶/۷۵	۹۲	۲۳	۱۸۸	۴۷	۷۶	۱۹
اهدای زمین	۴۳	۱۰/۸	۵۰	۱۲/۵	۱۲۵	۳۱/۲	۱۲۶	۳۱/۵	۵۶	۱۴
مالی	۵۹	۱۴/۷۵	۸۱	۲۰/۲۵	۸۰	۲۰	۱۲۵	۳۱/۲۵	۵۵	۱۳/۷۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بررسی‌های مربوط به زمینه‌های مشارکت روستاییان بر اساس طبقه‌بندی روستاها شامل: روستاهای کوچک، متوسط، بزرگ و روستا - شهر، در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیش‌ترین میزان مشارکت روستاییان با توجه به ضعف بنیه مالی و پایین بودن درآمد آن‌ها، در زمینه مشارکت نیروی انسانی (اجرای پروژه‌های عمرانی از قبیل: تعریض شبکه معابر، رعایت حرائم، احداث پل، کتابخانه عمومی و ...) است و مشارکت در اهدای زمین و مشارکت مالی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. جهت بررسی دقیق‌تر میزان مشارکت‌های نیروی انسانی در برنامه‌ها و پروژه‌های مختلف روستایی؛ جدول (۵) تنظیم شده که در آن میانگین کل مشارکت‌های روستاییان بر اساس طبقه‌بندی روستاها نشان داده شده است، همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد که؛ بیش‌ترین میزان تمایل به مشارکت نیروی انسانی بر اساس طبقه‌بندی روستاها مربوط به روستا- شهر بوده و کمترین میزان تمایل به این نوع مشارکت نیز مربوط به روستاهای بزرگ است (جدول ۵).

جدول شماره (۵): میزان تمایل به مشارکت نیروی انسانی بر اساس طبقه‌بندی روستاها

طبقه‌بندی روستاها	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
روستاهای کوچک	۲	۴	۴	۸	۱۴	۲۸	۲۲	۴۴	۸	۱۶
روستاهای متوسط	۴	۳/۳۳	۲۷	۲۲/۵	۳۷	۳۰/۸۳	۵۵	۴۵/۸۳	۲۷	۲۲/۵
روستاهای بزرگ	۱۰	۶/۶۷	۹	۶	۶۱	۴۰/۶۷	۴۳	۲۸/۶۷	۲۷	۱۸

روستا- شهر	۱	۱/۲۵	۴	۵	۱۷	۲۱/۲۵	۴۳	۵۳/۷۵	۱۵	۱۸/۷۵
------------	---	------	---	---	----	-------	----	-------	----	-------

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۶) می‌توان بیان نمود که بیش‌ترین میزان تمایل به مشارکت، در زمینه اهدای زمین مربوط به روستاهای متوسط بوده و کمترین میزان تمایل به این نوع مشارکت مربوط به روستاهای کوچک است (جدول ۶).

جدول شماره (۶): میزان تمایل به مشارکت در زمینه اهدای زمین بر اساس طبقه‌بندی روستاها

طبقه‌بندی روستاها		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۷	۳۴	۱۱	۲۲	۵	۱۰	۱۰	۲۰	۷	۱۴		
۱۱	۹/۱۶	۲۹	۲۴/۱۶	۱۹	۱۵/۸۳	۴۲	۳۵	۴۹	۴۰/۸۳		
۱۹	۱۲/۶۶	۲۷	۱۸	۳۴	۲۲/۶۶	۵۳	۳۵/۳۳	۱۷	۱۱/۳۳		
۱۳	۱۶/۲۵	۱۴	۱۷/۵	۲۱	۲۶/۲۵	۲۰	۲۵	۱۲	۱۵		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بررسی و ارزیابی مشارکت مردم (مشارکت مالی) در جریان تهیه و اجرای طرح‌های توسعه روستایی حاکی از آن است که بیش‌ترین میزان تمایل به مشارکت مالی مردم در میان طبقه‌بندی چهارگانه روستایی مربوط به روستاهای کوچک - بزرگ بوده و کمترین میزان این نوع مشارکت نیز مربوط به روستا - شهر است (جدول ۷).

جدول شماره (۷): میزان تمایل به مشارکت مالی بر اساس طبقه‌بندی روستاها

طبقه‌بندی روستاها		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۹	۱۸	۲	۴	۱۹	۳۸	۱۷	۳۴	۳	۶		
۱۲	۱۰	۵۱	۴۲/۵	۱۱	۹/۱۶	۳۸	۳۱/۶۷	۸	۶/۶۷		
۱۸	۱۲	۲۴	۱۶	۴۸	۳۲	۴۸	۳۲	۱۲	۸		
۸	۱۰	۸	۱۰	۳۸	۴۷/۵	۲	۲/۵	۲۴	۳۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

به منظور بررسی و تعیین رابطه بین نیروی انسانی و اهدای زمین و مشارکت در فرآیند مالی از آزمون

ویلکاکسون استفاده شده که نتایج آن در جدول (۸) آمده است. بر اساس آمار ارائه شده در این جدول، ۲۳۸ واحد آماری دارای میزان مشارکت بیشتری در نیروی انسانی و اهدای زمین، ۹۷ واحد بیشتر از مشارکت مالی و ۶۵ واحد آماری دارای میزان یکسانی برای مشارکت مالی و نیروی انسانی اعلام نموده‌اند، مقدار آماره آن $۸/۳۴-$ و سطح معنی داری آزمون برابر $۰/۰۰۰$ است که از خطای ۵ درصد کوچک‌تر است و با توجه به اینکه میزان تمایل پاسخ‌گویان به مشارکت در زمینه نیروی انسانی و اهدای زمین بیشتر از مشارکت در زمینه مالی به دست آمده، بنابراین صفر (H_0) یا فرض برابری میزان مشارکت افراد در زمینه مالی و نیروی انسانی و اهدای زمین را رد و نتیجه می‌گیریم که میزان مشارکت افراد از طریق نیروی انسانی و اهدای زمین بیشتر از مشارکت در زمینه مالی است (جدول ۸).

جدول شماره (۸): آزمون ویلکاکسون برای مقایسه مشارکت از طریق نیروی انسانی و اهدای زمین و مشارکت مالی

مشخصه	تعداد	متوسط رتبه	مجموع رتبه‌ها	آماره	سطح معنی داری
تعداد رتبه‌های منفی	۲۳۸	۱۸۰/۰۱	۴۲۸۴۲	-۸/۳۴	۰/۰۰۰
تعداد رتبه‌های مثبت	۹۷	۱۳۸/۵۴	۱۳۴۳۸		
تعداد رتبه‌های برابر	۶۵				
تعداد کل	۴۰۰				

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

دوم، رابطه بین سطح تحصیلات روستاییان و میزان مشارکت آنان در توسعه روستایی

نتایج به دست آمده از بررسی و ارزیابی روابط میان سطح تحصیلات و سواد پاسخ‌گویان با میزان مشارکت آنان در جریان توسعه روستایی و نیز مقایسه میانگین مشارکت‌های آنان در بین گروه‌های مختلف با استفاده از آزمون کراسکال والیس، در هر یک از مشارکت‌ها به قرار ذیل است:

- مشارکت در توسعه روستایی: نتایج حاصل از آزمون کراسکال والیس نشان می‌دهد که بین مشارکت در توسعه روستایی در میان گروه‌های مختلف تحصیلی، تفاوت معناداری تا سطح ۹۹ درصد وجود داشته است (جدول ۹).
- مشارکت در توسعه اقتصادی و اجتماعی: نتایج حاصل از آزمون کراسکال والیس نشان می‌دهد که بین میانگین مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی پاسخ‌گویان در میان گروه‌های مختلف تحصیلی، تفاوت معناداری تا سطح ۹۹ درصد وجود دارد (جدول ۹).
- مشارکت در توسعه فرهنگی: نتایج حاصل از آزمون کراسکال والیس نشان می‌دهد که بین مشارکت‌های

فرهنگی پاسخ‌گویان در میان گروه‌های مختلف شغلی، تفاوت معناداری تا سطح ۹۹ درصد وجود دارد (جدول ۹).

- مشارکت در توسعه کالبدی: نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین میانگین مشارکت در توسعه کالبدی روستاییان در میان گروه‌های مختلف تحصیلی، تفاوت معناداری تا سطح ۹۵ درصد وجود دارد (جدول ۹).

جدول شماره (۹): آزمون کراسکال والیس برای مقایسه میزان مشارکت روستاییان در بین گروه‌های تحصیلی

نتیجه		سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	متغیرها
رد	تأیید				
-	*	۰/۰۰۰	۴	۲۸/۸۱	سطح تحصیلات و میزان مشارکت در توسعه روستایی
-	*	۰/۰۰۰	۴	۲۰/۸۳	سطح تحصیلات میزان مشارکت در توسعه اقتصادی و اجتماعی
-	*	۰/۰۰۰	۴	۳۰/۱۶	سطح تحصیلات و میزان مشارکت در توسعه فرهنگی
-	*	۰/۰۰۹	۴	۱۳/۴۳	سطح تحصیلات و میزان مشارکت در توسعه کالبدی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که «بین سطح تحصیلات» و «میزان مشارکت در توسعه روستایی» به موازات افزایش سطح تحصیلات به میزان مشارکت آنان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی افزوده می‌شود. نتایج آزمون سطح تحصیلات روستاها بر حسب میزان مشارکت آن‌ها به تفکیک گروه‌های پنج‌گانه (زیردیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر) نشان می‌دهد که مقدار آماره به دست آمده ($kruskalwallis = 33/76$) با درجه آزادی ۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است؛ از این رو، می‌توان گفت بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت روستاییان رابطه وجود دارد (جدول ۱۰).

جدول شماره (۱۰): آزمون کراسکال والیس مقایسه سطح تحصیلات و میزان مشارکت

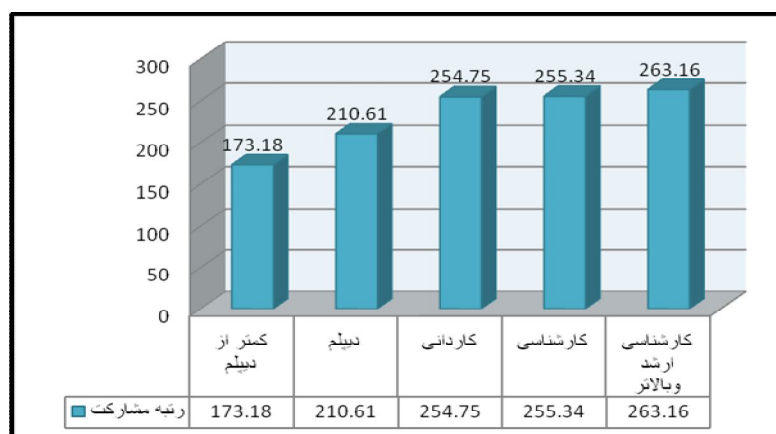
نتیجه		سطح معناداری	درجه آزادی (df)	KRUSKAL _WALLIS
رد	تأیید			
-	*	۰/۰۰۰	۴	۳۳/۷۶

معناداری در سطح ۰/۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

همچنین نتایج حاصل از شکل (۳) نشان می‌دهد که با افزایش و کاهش سطح تحصیلات، رتبه میزان مشارکت نیز تغییر می‌کند و تمایل افراد تحصیل کرده به مشارکت، از افرادی که سطح تحصیلات کمتری داشته‌اند بیشتر است. به این صورت که هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، رتبه مشارکت رسمی آن‌ها

نیز بیشتر می‌شود. در پژوهش‌های گلیرز، لایب سول و ساکروت نیز این مسئله تأیید شده است. علت اصلی این امر، آشنایی بیشتر و کامل‌تر افراد تحصیل کرده با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی مشارکت است. از این رو، فراهم نمودن شرایط و امکانات مناسب به منظور افزایش سطح تحصیلات در بین روستاییان و همزمان بالا بردن آگاهی‌ها و دانش روستاییان در قالب برگزاری کلاس‌های آموزشی، اقدامی مؤثر در جهت افزایش و ترغیب روستاییان به منظور پذیرش مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی خواهد بود (شکل ۳).



شکل شماره (۳): رتبه مشارکت بر حسب سطح تحصیلات

سوم، رابطه بین وضعیت اقتصادی و سطح درآمد روستاییان با میزان مشارکت آنان در توسعه روستا به طور قطعی وضعیت اقتصادی مطلوب، یکی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های بسیار مهم در توسعه پایدار روستایی است؛ زیرا از یک سو باعث بهبود وضعیت زیستی - معیشتی روستاییان گردیده و متعاقباً می‌تواند زمینه‌هایی برای توسعه پایدار انسانی در میان این مردمان شود و از سوی دیگر با بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقا بخشیدن به درآمد روستاییان، مشارکت آنان نیز در امور مختلف روستا افزایش یافته و باعث پایداری روستا و تثبیت و ماندگاری روستایی در روستا نیز می‌گردد. نتایج منتج از آزمون کراسکال والیس و مقدار آماره ۲۰/۹۵ حاکی از آن است که بین وضعیت اقتصادی پاسخ‌گویان با میزان مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه روستایی رابطه معناداری تا سطح ۹۹ درصد وجود دارد (جدول ۱۱).

جدول شماره (۱۱): آزمون کراسکال والیس برای مقایسه وضعیت اقتصادی و میزان مشارکت

نتیجه		سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	متغیر
رد	تأیید				
	*	۰/۰۰۰	۴	۲۰/۹۵	رابطه بین وضعیت اقتصادی و میزان

					مشارکت در توسعه روستایی
--	--	--	--	--	-------------------------

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲ معناداری در سطح ۰،۰۱

نتایج حاصل از جدول (۱۲) حاکی از آن است که با بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان میانگین رتبه مشارکت آن‌ها نیز در طرح‌ها و پروژه‌های روستایی افزایش می‌یابد. در واقع مردم وقتی در جامعه‌ای احساس امنیت و رضایت داشته باشند، راحت‌تر اقدام به مشارکت در امور مختلف خواهند نمود و ثمره این اقدام ضمن ابعاد مختلفی که دارد منجر به توسعه و پیشرفت جامعه در سطوح مختلف می‌شود. بنابراین مسئولان و برنامه‌ریزان باید با نیازسنجی در زمینه ایجاد اشتغال در رابطه با بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان بیش از پیش تلاش کنند و از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در سطح روستاهای محدوده مورد مطالعه از جمله توسعه صنعت گردشگری و کشاورزی استفاده نمایند (جدول ۱۲).

جدول شماره (۱۲): رتبه مشارکت روستاییان بر اساس اشتغال

شرح	نوع اشتغال	تعداد	میانگین رتبه
میزان مشارکت روستاییان	کارمند	۲۹	۲۴۵/۴۵
	کشاورز	۱۸۹	۲۰۱/۹۰
	کارگر	۵۲	۱۴۱/۴۷
	بیکار	۴۵	۱۹۲/۵۲
	سایر	۸۵	۲۱۹/۳۴
	کل	۴۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

چهارم، رابطه بین میزان رضایت و میزان مشارکت روستاییان

علاوه بر ارتقاء سطح سواد و آگاهی، بهبود وضعیت اقتصادی، یکی دیگر از مؤلفه‌های بسیار مهم در تعیین میزان مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی، رضایت روستاییان از طرح‌ها و پروژه‌های اجرا شده است. نتایج حاصل از همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین میزان رضایت از طرح‌ها و پروژه‌ها با میزان مشارکت آنان در برنامه‌های مختلف توسعه روستایی، همبستگی معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۱۳) می‌توان بیان نمود اگر چه روستاییان محدوده مورد مطالعه از طرح‌ها و پروژه‌های به اجرا گذاشته در روستاها رضایتی نداشته‌اند اما در جهت توسعه روستای خود و امید به بهبود شرایط و بهتر شدن وضعیت روستا، تمایل به مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در روستا را دارند؛ لیکن میزان مشارکت آنان در حد

مطلوب نیست.

جدول شماره (۱۳): بررسی میزان رضایت مردم از طرح‌ها و میزان مشارکت

نتیجه	اثبات	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	متغیرها
		۰/۷۵	۵	۲۷	۳۲/۵	۳۴/۷۵	میزان رضایت از طرح-
*	-	۱۷/۸	۳۵/۸	۲۶/۵	۱۵/۸	۴/۳	مشارکت در طرح‌ها
		۱۲/۸	۳۳/۵	۲۷/۸	۱۷	۹	پیگیری طرح‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بنابراین به منظور رضایت‌مندی روستاییان و افزایش مشارکت‌پذیری بیشتر در امور مختلف روستا، می‌توان با اقداماتی همچون برنامه‌ریزی با مردم به جای برنامه‌ریزی برای مردم و بخشیدن صورت عملی‌تر و واقعی‌تر به برنامه‌های اجرایی در سطح روستاها پرداخت و بهتر است که در روستاهایی که طرح‌های آن‌ها نوشته نشده است قبل از هر عملی از نظر و سلیقه مستقیم روستاییان به منظور رضایت‌مندی آن‌ها از طرح‌ها، بهره‌جسته شود.

جدول شماره (۱۴): آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای سنجش دو متغیر

نتیجه	سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرها
رابطه معنادار وجود	NS۰/۱۸۱	۰/۱۱۰	میزان رضایت و

NS: عدم معناداری،

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

۵) نتیجه‌گیری

به طور کلی هدف از مشارکت، شرکت داوطلبانه‌ی مردم در برنامه‌های توسعه در تمام مراحل - اعم از تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، نگهداری و ارزیابی است. سطوح پایین و فقرای جامعه‌ی روستایی کمتر در برنامه‌های توسعه روستایی شرکت داده می‌شوند و این به دلیل مشخص نبودن عرصه‌ای خاص برای ابراز وجود آن‌ها و تجلی توانایی‌های آن‌ها در پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای است. درحالی‌که مشارکت دادن روستاییان می‌تواند به عنوان فرآیندی که از طریق آن تهیدستان و محرومان را سازمان‌دهی کرده، تا بتوانند از طریق این سازمان‌دهی به تلاش‌های توسعه‌ای دست بزنند، تلقی می‌شود. اگر بتوان اقشار مختلف روستایی را در ایجاد عرصه و سازمان‌دهی مطلوب به خوبی راهنمایی و هدایت کرد، این عرصه و سازمان‌ها برای

روستاییان به ابزاری برای بیان خواسته‌هایشان بدل می‌گردد که از این طریق می‌توانند به خواسته‌های منطقی خود دست پیدا کنند. بنابراین ارتقای سطح مشارکت روستاییان و رفع موانع موجود بر سر راه آن از طرق مختلف مانند آموزش یا ایجاد نهادهای مشارکتی، بهبود وضعیت اقتصادی و درآمدی از طرق مختلف در روستاهایی که از وضعیت اقتصادی نامطلوبی برخوردارند و درگیر ساختن همه‌ی افراد ثروتمند و فقیر از گروه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد. با جلب مشارکت خودانگیخته‌ی روستاییان در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه‌ای می‌توان دانش بومی را با نقطه نظرات کارشناسی در هم آمیخت و بر طرح‌های توسعه‌ی روستایی خصلتی درون برخاسته از متن جامعه روستایی بخشید. مشارکت روستاییان بخش خشکبیجار زمانی به حد اعلا خود می‌رسد و می‌تواند در توسعه روستایی تأثیرگذار باشد که همه‌ی موانع گفته‌شده از سر راه برداشته شوند. بدیهی است که رفع مشکلات اقتصادی موجود در روستاهای بخش خشکبیجار بدون توجه به معضلات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود و زمانی که روستاها از سطح فرهنگ و بینش اجتماعی مطلوبی برخوردار نباشد، نمی‌توان انتظار داشت که بتوانند شیوه نوین دستیابی به رشد اقتصادی را دریافته و قدرت ریسک‌پذیری را داشته باشند.

در نهایت می‌توان گفت که در روستاهای بخش خشکبیجار، علی‌رغم وجود مشکلات و موانع فراوان بر سر راه مشارکت و به‌کارگیری آن در توسعه روستایی، وجود میل ذاتی روستاییان به امور مشارکتی و حضور گسترده‌ی آنان در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای، می‌تواند راهگشا باشد و لزوم برنامه‌ریزی برای این امر مهم را ضروری می‌نماید. همچنین نتایج حاکی است که میل به مشارکت به ویژه مشارکت فکری، مشورتی، کاری و فیزیکی در میان روستاییان در حد مطلوبی است. با افزایش توان اقتصادی روستاییان بخش خشکبیجار که آن نیز با مشارکت خودشان میسر است، می‌توان انتظار داشت که بر میزان مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای روستا افزوده شود. بی‌شک انگیزه‌ی مشارکت در بین روستاییان بیش از هر چیزی به اقدامات فرهنگی و آگاهی بخشی به آن‌ها بستگی دارد. در روستاهای بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته‌ی جهان به لحاظ بالا بودن فرهنگ مشارکت و تعاون در بین روستاییان و اعتقاد بالای آنان به کار گروهی، به واسطه فرهنگ‌سازی گسترده و نهادینه‌شده در مردم روستایی، سطح مشارکت در حد مطلوبی قرار دارد و روستاها توسعه‌یافته‌تر هستند. بدیهی است که هر چقدر مردم روستاهای بخش مورد مطالعه از مزایا و نتایج ثمربخش کارهای مشارکتی آگاهی بیشتری داشته باشند و بدانند که نتیجه‌ی مشارکت دستیابی به سود و منفعتی پایدار است، انگیزه‌ی مشارکت در آن‌ها افزوده می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های جوما (۲۰۰۵) مبنی بر نقش مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه، عارف (۲۰۰۹) در زمینه توانمند سازی روستاییان و کاهش هزینه‌های

دولت از طریق مشارکت روستاییان، یانگ (۲۰۱۱) نقش مشارکت در توسعه ساخت و ساز فرهنگ جوامع روستایی، استنلی (۲۰۱۲) ضرورت مشارکت روستاییان در فعالیتهای غیر کشاورزی و با نتایج پژوهشهای رضوانی و همکاران در دهستان حکیم آباد شهرستان زرنديه استان مرکزی، سرور در بخش مرحمتآباد شهرستان میاندوآب، نجفی کانی در دهستان سلطانعلی شهرستان گنبد کاووس مطابقت داشته و با نتایج پژوهشهای صیدایی در شهرستان نورآباد ممسنی مطابقت ندارد.

۶ منابع

- برقی، حمید، یوسف قنبری و محمد سعیدی، (۱۳۹۲)، بررسی عملکرد شورای اسلامی روستا و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان حسین آباد شهرستان نجفآباد)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- حیاتی، داریوش، مجتبی دهقان پور و زهرا نامجویان، (۱۳۸۶)، راهبرد مشارکت مردم در توسعه روستایی با نگرشی به تجربه اجرای پروژه‌های توانمندسازی اهالی روستاهای منطقه کامفیروز فارس، مجموع چکیده مقاله‌های دومین همایش ملی توسعه روستایی در ایران، موسسه توسعه روستایی.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۶، مدیریت نهادهای محلی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، سید علی بدری، محمد سلمانی و بهروز قرنی آرانی، (۱۳۸۸)، تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مشارکتی توسعه روستایی (مطالعه موردی: حوضه آبخیز حبله‌رود، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، شماره ۶۹، صص ۸۶-۶۷.
- رضوانی، محمدرضا و علی احمدی، (۱۳۸۸)، شوراهاى اسلامی روستایی (مطالعه موردی: دهستان حکیم آباد، شهرستان زرنديه، استان مرکزی)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۴۹-۳۵.
- سرور، رحیم، میرنجف موسوی و تهیمیه دانیالی، (۱۳۹۱)، رابطه مشارکت محلی و توسعه روستایی: مطالعه موردی بخش مرحمت‌آباد، فصل‌نامه روستا و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۱۷.
- شایان، حمید، علی‌اکبر تقیلو، و رضا خسرو بیگی، (۱۳۹۱)، تحلیل نقش مشارکت مردم در پایداری اقتصاد روستایی، دهستان ایجرود بالا، شهرستان ایجرود، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال دهم، شماره ۱۹، صص ۹۴-۷۱.
- شاکری، هادی، (۱۳۸۰)، نقش مشارکت مردم در توسعه روستایی با تأکید بر جایگاه بر جایگاه جوانان از نظر دولت و مردم (مطالعه موردی: بخش فریدون‌کنار شهرستان بابلسر)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- صیدایی، سید اسکندر و امین دهقانی، (۱۳۸۹)، نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۷، صص ۱۸-۱.
- صابری فرد، رستم، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر عضویت و مشارکت روستاییان در شرکت‌های تعاونی روستایی مورد شناسی: استان خراسان رضوی، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، دوره دوم، شماره ۴، صص ۷۵-۶۵.
- طالب، مهدی، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه‌ی روستایی ایران)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- طالب، مهدی و همکاران، (۱۳۸۸)، اولویت‌های توسعه روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- طالب، مهدی، حسین میرزایی و عفوآت نادری، (۱۳۹۱)، ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی)، فصلنامه توسعه محلی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۸-۱.
- عنابستانی، علی‌اکبر و همکاران، (۱۳۹۱)، بررسی ویژگی‌های جمعیتی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در روند توسعه روستایی (مطالعه موردی شهرستان ایجرود)، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته‌ی روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه‌ی روستایی در ایران: مطالعه موردی روستاهای شهرستان کاشان، رساله دکتری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عفتی، محمد، (۱۳۷۱)، عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های هادی روستایی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و فاطمه سخایی، (۱۳۸۸)، مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، شماره ۷۰، صص ۱۲۶-۱۱۱.
- نجفی‌کانی و محمد میرزاعلی، (۱۳۹۱)، بررسی و سنجش میزان مشارکت مردم و نقش آن در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان سلطانعلی شهرستان گنبدکاووس)، مجله چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۱۳۷-۱۱۸.
- Gow. David D., Jerry vasant, 1983, Beyond the Rhetoric of Rural Development participation : How Can It Be Done ? World Development, vol. 11, No 5, pp. 421-446.
- JUMA. Peter, 2005, **The role of community participation in the district focus for rural development planning strategy: A case study of Busia district kenya** , Vol.6, No.2, pp163-182.
- Aref. Fariborz, 2009, **People s participation in community Development :A case study in a plan ned village settlement in Malaysia**, Vol. 1 No. 2, pp45-54.
- Kakumba. Umar, 2010, **government citizen participation and rural development : reflections on Ugandas decentralization System**, vol. 76 No. 1 pp.171-186.
- Zhang, Yongguilu, 2011, **Reflection on farmers participation in rural Community Cultural construction**, Vol. 7, No.9, p154.
- Wang, Xiaojun and Zhenrong Yu, 2008, **Steve Cinderdy**, John Forrester, Vol. 28, April.
- Stanley, kojo Dary, 2011, **participation in rural Non- Farm Economic Activities in Ghana**, Vol. 2, No.8, p240.
- Perez-Fra, M, 2012, **Representativeness and civic participation in rural development programme in Galicia**, Spain, Volume 41, Number 3.
- Prasad, Durga, 2013, **Peoples Participation in Development : sikkim**, pp. 2278-0211, Number 5.
- Stefano. Pascuccit, 2013, **participation of Italian farmers in rural development policy**, vol. 40, No.4, pp.605-631.